

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ جون ۲۰۲۱

یافتن سوراخ دعا پس از ۴۲ سال!!

سه شنبه - ۱۱ جوزای ۱۴۰۰ - کابل: از آنجائی که سخنرانی ها و صحبت های "غنی احمدزی" در کل تکرار، دروغ، لاف، وعده های سرخرمن، با فرض این که مردم نمی دانند و به نحوی اهانت به شعور مردم و از سر تیر کردن و یا هم به اصطلاح مردم "باد دل را خالی کردن" است، علی رغم آن که در مسایل مربوط به افغانستان می باید مورد توجه قرار گیرند، متأسفانه و یا هم خوشبختانه از دیر باز بدین سو نمی خواهم با شنیدن آنها وقتم ضایع نمایم؛ مگر اکراه در شنیدن آن صحبت ها بدان مفهوم نیست که وقتی دوستانی نکاتی را در آن سخنرانی بیابند و شنیدن آن را گوشزد نمایند، از شنیدن و یا توجه بدانها امتناع بورزم. از جمله صحبت های اخیری که در مورد نقش پاکستان در تأمین صلح در افغانستان نمود، جای دارد اندکی مورد توجه قرار گیرند.

۱- با حرکت از این منظر که می باید جهت بستن و رسیدن به صلح، نخست طرف جنگ خود را بشناسیم، زیرا منطقاً صلح می تواند با آلهای موضوعیت بیابد که طرف جنگ ما هستند، تشخیص "غنی احمدزی" که بدون رسیدن به صلح با پاکستان، امکان مصالحه با طالب و جود ندارد و اصولاً صلح با طالب از کانال و مجرای صلح با پاکستان می گذرد و میسر است؛ رسیدن حاکمیت به چنین درکی را می تون یک گام به پیش دانست و از این خوشحال شد که آنها سرانجام بعد از سپری شدن ۴۲ سال و دادن تلفات بیش از یک الی دو میلیون قربانی، قادر شدند دشمن اصلی این سرزمین را تشخیص نمایند. بارک الله، به فهم تان برکت.

۲- وقتی "غنی احمدزی" می پذیرد آنی که روزانه به ده ها تن از هموطنان ما را به خاک و خون می کشد و آتش جنگ اعلام نشده ای را علیه خلق دردمند ما از ۴۰ سال بدین سو فروزان نگه داشته است، یعنی دشمن خونین مردم ما دولت پاکستان است، جهت رسیدن به صلح و ختم این جنگ اعلام نشده برایش دو راه بیشتر باقی نمی ماند:

*- یا به مانند پدران و نیاکان سیاسی اش در دوسده اخیر، که در تقابل و سرکوب خلق ما سفاکتر از چنگیز و آتیل بودند مگر در مواجهه با دشمنان بیرونی کشور و خلق ما، به پاسبانی درب آنها افتخار نموده، به مانند توله سگان آموزش دیده با هر صدای استعمار دم می جنبانیدند، "غنی احمدزی" هم می تواند حلقه عبودیت و نوکری پاکستان را بر گردن آویخته به جای آن که از امپریالیسم امریکا و شرکای جنایتکارش کمک و معاونت بخواهد، با سجده بر آستان اسلام و قبول بندگی آنها آرامش در کشور باز گرداند.

*- بدیل دیگری که از لحاظ تئوریک- صرف تئوریک زیرا از لحاظ عملی "غنی احمدزی" هیچ گاه و در تحت هیچ شرایطی شجاعت، ظرفیت و تعهد ایستاده شدن مقابل یک دشمن خارجی را نداشته و ندارد که اگر چنین نمی بود پایبوس استعمار امریکا و شرکاء نمی شد- سرراه "غنی احمدزی" قرار می گیرد، این است که با بریدن از میراث نیاکان سیاسی اش و رو آوردن به طرف مردم دلیر افغانستان، با توسل به فرهنگ "مشتت را زما مشتی جوابست" و ضرب سوزن را با جوالدوز جواب دادن، جنگی را که پاکستان بر ما تحمیل نموده، با جنگ پاسخ دهد، مگر قبل از آن و به مثابه پیش شرط آن می باید چند نکته را انجام دهد:

الف: تمام آنهایی را که در رکاب و به نیابت از پاکستان به کشتار خلق ما اشتغال دارد، به مثابه مزدوران و اجیران دولت متجاوز پاکستان به رسمیت بشناسد،

ب: من بعد طالب و بقیه نیروهایی که به نیابت از پاکستان در افغانستان به کودک کشی و زن کشی اشتغال دارند، "برادر ناراضی" نه بلکه دشمنان سفاک خلق ما معرفی بدارد،

پ: وقتی معتقد است که آنها دشمنان مردم افغانستان و عوامل بیگانگان در کشور اند، ذهنیت و طرح اشتراک آنها را در قدرت از ذهنش بیرون نماید،

ت: به مثابه یک افغان و وظیفه خود بداند که سرکوب خونین و آنها را واپس به دامن بادران شان انداختن، اجتناب ناپذیر است و می باید هرچه زودتر عملی گردد،

ث: رفت و آمد به اصطلاح سران احزاب اما در واقعیت دست پروردگان و نوکران زرخرید پاکستان در افغانستان را در آن کشور منع نماید،

ج: ستون پنجم دولت پاکستان را که در تمام تاروپود دولت دست نشانده ریشه دوانیده، مجری سیاست های ضد منافع ملی افغانستان در کشور اند، افشاء، اخراج و سرکوب خونین نماید و ...
هموطنان گرامی!

آنچه در بالا بدانها اشاره شد، حداقل انتظارات و خواستهایی اند که اگر "غنی احمدزی" واقعاً به آنچه گفت، باور مند می بود می شد از وی داشت. در حالی که روند زندگی روزمره و استمرار و دوام کشتار خلق ما به وسیله طالب و یاهو سرائی های بدون انقطاع این دلقک استعمار "غنی احمدزی"، همه گواه بر آن است که آنچه "غنی احمدزی" در پوهنتون گفته، نه اعتقادش بوده و نه هم نقشی در تعیین سیاست هایش در قبال پاکستان داشته است، بلکه در حضور چند "بلی گوی" بی وجدان و یا جیون فقط "باد دل"ش را خالی نموده است.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!